

## اندر باب "جنگجوی" قره باغ



نه کرسی فلک نهد اندیشه زیر پای --- تا بوسه بر رکاب قزل ارسلان زند.

قرن هاست که از این شعر شاعر مدیحه سرای درباری "ظهیر فاریابی" می گذرد. مدیحه ای که نشان خود را در ادبیات فارسی به عنوان نمونه تملق گویی و چاپلوسی زده است. هر چند که این مدیحه در آن روزگار گذشته برای شاعر مسخره و دلچسب مآبش چندرغازی به ارمغان آورد ولی سالهاست که اسباب تمسخر هر فارسی زبان اهل ادب شده است.

"ظهیر فاریابی" شاعری بود کوتاه قد و کوتاه بین و منبع معاشش مداحی و سرودن اشعاری از این گونه. کوتاه فکر و کوتاه بینی که رکاب اسب سلطان آلب ارسلان سلجوقی همردیف چشمانش بود. یا باید دستمال تملق بدست می گرفت یا سر بی شام بر بالین می نهاد. چرا که جز مداحی و چاپلوسی هنر دیگری نداشت.

حکایت دیروزه "ظهیر فاریابی" حکایت امروزه دلچسب شهر دالاس دکتر "[صفر قره باغی](#)" است که پشت نام "آرش ایراندوست" مخفی شده است. "صفر قره باغی" این جنگ طلب نژاد پرست حقیر و این "[ننوکان وطنی](#)" در عالم مجازی تارنمایی دست و پا کرده است با نام "[جنبش طرفداران دموکراسی در ایران](#)". این تارنما آشیانه فکری و تبلیغاتی جناح های سلطه جو جنگ طلب و نژادپرستی است که همگی در یک راستا کار می کنند: حمله نظامی به ایران. از دانیل پایپ گرفته تا جان بولتن دلچسب جنگ طلب حکومت جرج بوش.

کبوتر با کبوتر باز با باز --- کند همجنس با همجنس پرواز

از دهم تا بیستم ماه مه در تاریخ جنبش مردمی ایران از یک سو شاهد سرکوبگری قساوت و ددمنشی حکومت جمهوری اسلامی ایران بودیم و از سوی دیگر شاهد فداکاری و تلاش برای آزادی از سوی مردمان. در زیر به چند مورد از وقایع این ده روزه اشاره شده که مثنی است از خروار:

دهم ماه مه - کشتن دو زندانی در مشهد و اعدام یک فعال سیاسی در خوزستان.

چهاردهم ماه مه - کشتن سعید ملکپور فعال سیاسی.

شانزدهم ماه مه - اعترافات محمد نوری زاد در یک نوار ویدئویی در رابطه با کشتار مردم ایران و غارت ثروت ملی در سال گذشته

بیستم ماه مه - فرستادن داریوش شهپری به زندان همراه با برادر خواهر و دامادشان به جرم مبارزه برای دموکراسی و آزادی.

و دهها خیر ادامه مبارزات کارگری که در اول ماه مه روز جهانی کارگر شدت گرفت.

سایت های بیشماری اخبار این مبارزات را به شکلی گسترده به اطلاع هموطنان درون و برون مرزی رساندند. اما حکایت مشدی صفر جالب تر از همه بود.

Thursday, May 10, 2012

Israeli rower won gold -- and sang "Hatikvah" on her own

Organizers of a rowing competition for the disabled in Italy apparently didn't take into consideration the possibility that the Israeli contender, Moran Samuel, would win the competition, and they forgot to bring the CD with the national anthem, "Hatikvah," to the awards ceremony. What did Moran do? She took the microphone from the master of ceremonies and began singing the national anthem on her own. Quite moving!

<http://www.mideasttruth.com/forum/viewtopic.php?t=10911>

[Click here for the video clip](#)



دکتر "صفر قره باغی" در تاریخ دهم ماه مه 2012 در سایت "جنبش طرفداران دموکراسی در ایران" خبری را با آب و تاب فراوان و همراه با فیلمی منتشر کرد: **ورزشکاری اسرائیلی بنام موران ساموئل در مسابقات ورزشکارانی که نقص بدنی دارند برنده مدال طلا می شود. مسئولین این مسابقه در ایتالیا سرود ملی اسرائیل را حاضر نکرده بودند و خود موران ساموئل سرود ملی اسرائیل را خواند.**

براستی که به چنین روحیه پهلوانی و ورزشکاری باید آفرین گفت. بویژه چنین ورزشکارانی بر محدودیتهای بیشتر باید غلب آیند بنابراین کارشان در درجه بالاتری از ورزشکاران معمولی قرار می گیرد.

نزدیک به دو سال قبل بود که در یک روز گرم تابستان با تعدادی از دوستان دالاس و اوکلاهاسیتی به تماشای مسابقات والیبال نشسته رفتیم. تیم والیبال معلولین ایران هم آمده بود. بازیکنان ایران را تشویق کردیم پرچم منحوس عنکبوتی جمهوری اسلامی را پایین کشیدیم و پرچم خود را بالا بردیم. از پلیس اخطار گرفتیم و نزدیک بود که همگی دستگیر شویم. صدای گرم آقای روشن زاده حضور اپوزیسیون را از طریق رادیو و تلوزیون برای دیگر ایرانیان پخش نمود. ولی خبری از دکتر "صفر قره باغی" نبود. اگر تیم اسرائیلیان آنجا بود شاید جناب "دکتر" هم می آمدند تا بوسه زنند بر رکاب آلب ارسلان.



راستش هر چه فکر کردم نتوانستم رابطه خبر مربوطه در سایت دکتر "صفر قره باغی" را با پیکار آزادیخواهانه مردم ایران پیدا کنم. مشهدی صفر چنان سرگرم پخش این خبر شاد و مستی آور بود که مدت ده روز تمام هیچ مقاله و خبر دیگری را که به سطح رکاب آلب ارسلان نمیرسید درج نکرد. یک کلمه هم از ایران و جنبش مردمی اش (که هر روزه تاوان این مبارزه را با کشته شدن عزیز ترین عزیزان ایران زمین یا به بند کشیده شدن آنان می پردازد) نگفت و از جای دیگری نیز خبری درج نکرد.

حال باید پرسید که جناب "دکتر" قره باغی اگر ریگی به کفش ندارید چگونه حاضرید چشمتان را برای ده روز تمام بر مبارزات ملت ایران ببندید و تمام تلاشتان را در درج یک خبر ورزشی اسرائیل متمرکز کنید؟

ما باده خوریم و حریفان غم جهان ---- روزی هر کس بقدر همت خویش مقرر است (حافظ)

"ظهیر فاریابی" نه هنری جز تملق گویی داشت و نه حرفه ای. او مجبور بود برای سیرکردن شکمش دستمال یزدی بدست گیرد تا سلطان را سر شوق آورده و چندرغازی به جیب بزند. ولی جناب دکتر شما چرا؟ شما که نا سلامتی درجه دکترا را بیدک می کشید و زبانه لال از دولت اسرائیل هم سهم امام دریافت نمی کنید!!!!

"دکتر" قره باغی و "دکتر" احمدی نژاد دو روی یک سکه اند و با دو شیوه متفاوت ولی اثر وجودی هر دو در متشنج کردن اوضاع و داغتر و شعله ورترکردن تنور جنگ است که معنی پیدا می کند. اولی عاشق سینه چاک جنگ طلبان اسرائیلی و دومی دیوانه نژادپرستان ضد یهود.

شاید نام "دکتر چند قرانی" برازنده تر باشد تا نام "دکتر قره باغی". در مقالات بعدی به رابطه فکری و عملی این دلقک دو قرانی با جنگ طلب های اسرائیلی بیشتر پرداخته خواهد شد.

بیژن آبادی

bijan@golshan.com

27 خرداد 1392

16 June 2012

پاورقی: از خوانندگان برای شباهت نثر من با افکار کج و موج مشدی صفر پوزش می خواهم.